

## ویژگی‌های حمد در قرآن

(بررسی دعای اول صحیفه سجادیه با تکیه بر آیات قرآن کریم)

دکتر زهرا جلیلی<sup>۱</sup>

### چکیده

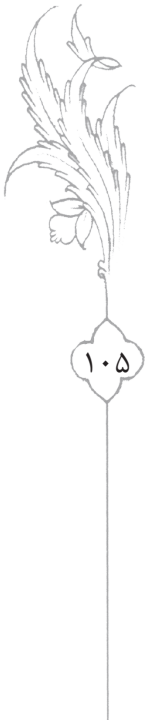
دعای اول صحیفه‌ی سجادیه حضرت امام علی بن الحسین زین العابدین (ع)، دعای عظیم القدری لبالب از معارف ذیقیمت اسلامی و قرآنی است که در قالب کلماتی آراسته و مزین به محسنات لفظی و معنوی، به حمد و ثنای الهی می‌پردازد؛ و درس‌هایی عمیق و ژرف، در بهبود بعد روحانی انسان و ارتقای رابطه‌ی عبد و معبود، در قالب دعا، به رهروان راه حق و سالکان طریق دوست می‌دهد. نوشتار پیش رو به بررسی این دعای عظیم الشان می‌پردازد و موضوع تحمید و ستایش آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. در ابتدا به عنوان مقدمه، تعریفی اجمالی از حمد دارد و آن را تبیین و تقریر می‌نماید و سپس این موضوع را در فرازهای گرانقدر دعای مذکور دنبال می‌کند و در پایان با نتیجه، نوشتار را به پایان می‌برد. امید است این تلاش ناچیز مقبول طبع صاحب‌نظران افتد و صحیفه‌ی سجادیه روز به روز و هر چه فزونتر مورد توجه و عنایت پژوهندگان واقع گردد.

کلیدواژه‌ها: "امام سجاد"، "صحیفه سجادیه"، "دعا"، "حمد"

استادیار و عضو علمی دانشگاه پیام نور رشته علمی: زبان و ادبیات عربی

Z\_jalili@pnu. ac. ir ۰۹۱۲۵۴۹۴۵۵۱

تاریخ پذیرش مقاله: تیر ۹۷ تاریخ داوری: مرداد ۹۷ تاریخ نشر: شهریور ۹۷



صحیفه‌ی سجادیه این زیور آل محمد و اخت القرآن و انجیل اهل بیت، در برگیرنده‌ی ادعیه‌ی گرانسنگی از امام زین العابدین (ع) است. که بسان نجومی درخشان در لیالی ظلمانی، دلیل راه است و همچون مصاییحی فروزان، رهروان راه حق و سالکان طریق دوست را به سرمنزل مقصود می‌رساند و بنا بر سخن مقام معظم رهبری (حفظه الله) «هر دعای صحیفه یک درس عالی از معارف اسلامی و قرآنی است. و دعای اول صحیفه سجادیه همانند خطبه‌ی اول نهج البلاغه است که به زبان دعا، همان معارف را بیان فرموده است.» (۱) اولین دعای صحیفه سجادیه به تحمید و ستایش خدای عز و جل می‌پردازد که در برگیرنده‌ی سی فراز است با دو موضوع کلی: حمد و ربّ. این گفتار سعی بر آن دارد تا این دعای عالیقدر را از نظر ویژگیهای ربّ و حمد، با تکیه بر آیات قرآن کریم به قدر وسع خود مورد مذاقه و امعان نظر قرار دهد.

### پیشینه تحقیق

در زمینه صحیفه سجادیه شروح متعددی مانند ریاض السالکین سید علیخان مدنی، شرح فیض الاسلام، شرح آیتی تالیف شده است. نیز پایان نامه‌هایی دانشگاهی بدین موضوع اختصاص یافته است و مقالات علمی در این زمینه نگارش شده است. از پایان نامه‌های با موضوع صحیفه می‌توان به پایان نامه قلب سلیم در صحیفه سجادیه تالیف فاطمه مظلوم با راهنمایی مشائی و پایان نامه آرایه‌های بدیعی در صحیفه نگارش مظفری با راهنمایی ابن الرسول اشاره داشت و از مقالات علمی در زمینه صحیفه، که از زوایای مختلف روانشناسی، تربیتی، ادبی بدان پرداخته اند، می‌توان به مقاله شکوه تعبیر در صحیفه سجادیه خان جانی و مقاله انسان شناسی در صحیفه سجادیه فرزانه و مقاله روشهای تربیت عقلانی ایران منش اشاره داشت. که این تحقیق به قدر وسع از آنان استفاده می‌نماید.

### ضرورت تحقیق

از آنجا که حمد منعم و معطی، عملی در راستای فطرت انسانی است و شناخت ویژگی‌های حمد و خصوصیات ربّ، یاور انسان در سلوک الی الله است و صحیفه سجادیه نیز از منابع فیاض در این زمینه است؛ لذا نگارنده با توجه به عدم مشاهده مقاله‌ای در خصوص دعای اول صحیفه، بر آن شد تا به قدر وسع به این دعای عظیم القدر پردازد و ویژگی‌های حمد و محمود را مورد اهتمام قرار دهد.

### سؤالات اصلی و فرعی تحقیق

ویژگی‌های حمد در دعای اول صحیفه سجادیه کدام است؟ بنا بر این دعا، چه پروردگاری را باید حمد نمود؟ آیا قرآن کریم در زمینه حمد و ویژگی‌های آن، رهنمودهایی دارد؟ ارشادات قرآنی در خصوص حمد و مسائل مرتبط بدان چیست؟ ابتدا معنای حمد از خلال کتب لغت مانند: لسان العرب، قاموس المحيط، العین، المحيط فی اللغة، الفروق فی اللغة



## واژه‌شناسی حمد

حمد در کتبی مانند لسان العرب (ابن منظور، ۱۴۲۶ق، ۹۳۱-۹۳۲) و العین (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۳، ۱۸۸)، والمحیط فی اللغة (صاحب بن عباد، ۳، ۴۷)، معجم المقاییس اللغة (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۲، ۱۰۰)، نقیض ذمّ معنا شده است. در قاموس المحیط (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ۳۵۵) حمد به معنای شکر و رضا آمده است. در کتاب مفردات الفاظ قرآن (راغب، ۱۴۱۲ق، ۲۵۶) نویسنده در تبیین الحمد لله، حمد را اخصّ از مدح و اعمّ از شکر می‌داند. عسکری نویسنده کتاب الفروق فی اللغة (عسکری، ۱۴۰۰ق، ۳۹-۴۱) در معرفی حمد و فرق آن با شکر آورده که حمد، ذکر جمیل برای تعظیم به جهت نعمت و غیر آنست و شکر تنها به جهت نعمت است. (۲) امام خمینی (قدّس سرّه) در تفسیر سوره حمد تمام ستایش‌های عالم را از آن خدا می‌داند. «تمام محامدی که در عالم است هر کمالی، هر حمدی، هر ستایشی، که باشد به او واقع می‌شود، برای اوست.» (خمینی، ۱۳۷۳، ۱۹) فیض کاشانی در کتاب نماز معراج انسان خود نیز هر ثنا و حمدی را که از ازل تا ابد موجود بوده وهست و خواهد بود، از آن حق تبارک و تعالی می‌داند. (کاشانی، ۱۳۷۳، ۷۶) بعد از بیان معنای حمد، نوبت به تبیین و تقریر دعای اول حضرت سجاد (ع) می‌رسد، که مشتمل بر فرازهایی چون ویژگی ربّ، تخصیص حمد، تبیین و تقریر آن، ناسپاسی و نتیجه آن و مواردی دیگر است که در اینجا بدان پرداخته می‌شود.

### تخصیص حمد خدای ازلی و ابدی

دعای اول صحیفه سجادیه با تخصیص حمد و ستایش خداوند متعال آغاز شده و تا فراز هفتم ادامه می‌یابد. و در آن به تخصیص حمد برای خداوند، ازلی و ابدی بودن حق، خلقت بی‌بدیع وی، خداجویی انسان، رزق و اجل معلوم او، کیفر و پاداش و موارد دیگر اشاره دارد. «الحمد لله الاول بلا اول کان قبله و الآخر بلا آخر یكون بعده. ۲ الذی قُصرت عن رؤيته ابصار الناظرین و عجزت عن نعته اوهاّم الواصفین. ۳ (۳) ابتدع بقدرته الخلق ابتداءً و اخترعهم علی مشیته اختراعاً. ۴ ثمّ سلک بهم طریق ارادته، و بعثهم فی سبیل محبته. لا یملکون تاخیراً عمّا قدّمهم الیه، و لا یستطیعون تقدماً الی ما اخرهم عنه. ۵ و جعل لكلّ روح منهم قوتاً معلوماً مقسوماً من رزقه، لا ینقص من زاده ناقص و لا یزید من نقص منهم زائد. ۶ ثمّ ضرب له فی الحیوة اجلاً موقوتاً، و نصب له امداً محدوداً، یتخطأ الیه بایام عمره، و یرهقه باعوام دهره، حتی اذا بلغ اقصی اثره، و استوعب حساب عمره، قبضه الی ما تدبّه الیه من موفور ثوابه، او محذور عقابه، لیجزی الذین اساؤا بما عملوا و یجزی الذین احسنوا بالحسنی. ۷ (۴) عدلاً منه، تقدست اسماءه و تظاهرت الاؤه، لا یسأل عمّا یفعل و هم یسألون.» (۵)

ترجمه: حمد و ستایش تنها از آن خدایی است که اوّل اوّل و آخر آخرست. همو که دیده‌ها از رویتش قاصر و اوهاّم از وصفش عاجزند. خدایی که با قدرت خود و بدون هیچ سابقه ای مخلوقات را آفرید و با مشیت خویش خلقت را ادامه داد. سپس ایشان را در طریق خداجویی روان ساخت و به راه محبت خویش برانگیخت؛ و آنان تقدّم متأخر و تأخر متقدّم نتوانند. خدایی که برای هرذیرو حی رزقی معلوم و مقسوم قرار داد





که کم و زیاد نشود. سپس برای هر یک از ایشان مدتی معین و پایانی معلوم رقم زد که با روزهای عمر خود به سوی آن گام برداشته و بدان نزدیک می‌شود تا به پایان عمر خویش می‌رسد و خدا او را بدانچه دعوت نموده می‌گیرد. از پاداش سرشار بهشت و یا کیفر ترسناک دوزخ؛ تا بدان را به خاطر عمل بد جزا و نیکان را به جهت کار خوب پاداش دهد. و این به خاطر عدالت اوست. اویی که نامهای وی مقدس و نعمتهایش بی دریغ است. لذا از افعال او نپرسند و از اعمال دیگران سؤال کنند.

در تبیین این فراز می‌توان مواردی را متذکر شد:

در قرآن کریم به تسبیح موجودات عالم و عدم درک آن توسط انسان اشاره شده که می‌توان سوره اسراء را بیان نمود: (وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ) (اسراء: ۴۴) نیز در آیات متعددی تخصیص حمد را یادآور می‌شود که از جمله آن می‌توان به حمد ربّ، حمد خالق، حمد هادی و حمد بهشتیان اشاره داشت: (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) (فاتحه: ۲)، (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ) (انعام: ۳)، (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا) (اعراف: ۴۳)، (وَآخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) (یونس: ۱۰)

### ناسپاسی و خروج از انسانیت

حضرت سجاد علیه السلام در فراز هشتم و نهم دعا، نتیجه ناسپاسی را تبیین می‌نماید که سرانجامش ضلالت و گمراهی تر شدن از چهارپایان است. «و الحمد لله الذی لو حَبَسَ عَنْ عِبَادَةِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلِيٌّ مَا ابْلَاهُمْ مِنْ مَنِّهِ الْمَتَابِعَةَ، وَ اسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعْمِهِ الْمَتَظَاهِرَةَ، لَتَصَرَّفُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ، وَ تَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ. وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَةِ إِلَى حُدُودِ الْبَهِيمَةِ فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: (إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا)» (اعراف: ۱۷۹)

ترجمه: و سپاس و ستایش از آن خدایی است که اگر بندگان خود را از شناخت سپاس خود، در ستایش نعمتهای بی دریغ و عطایای بی‌بسته، منع می‌فرمود؛ همانا ایشان از آن بهره می‌بردند ولی شکر و سپاس بجا نمی‌آوردند. و اگر چنین می‌نمودند از دایره انسانی خارج و به محدوده حیوانی داخل می‌شدند. در قرآن کریم در وصف چنین انسانهایی آمده است: که ایشان چون چهارپایان، بل گمراهترند. در ابتدای آیه مذکور علت این ناسپاسی تبیین می‌شود آنجا که می‌فرماید: آنان قلبی بی ادراک و عیونی بی بصیرت و گوشهایی ناشنوا دارند. (لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا) فیض الاسلام در شرح خود (فیض الاسلام، ۱۳۹۴ق، ۳۱) علت این اضلیت و گمراهتری را، بهره نبردن و تعطیل نمودن قوای عاقله می‌داند. در حالی که چهارپایان از تمام قوای خود در جهت کمال خویش بهره می‌گیرند.

### حمد و گشایش ابواب علم

امام (ع) در فراز دهم دعا، گشایش ابواب علمی را، متأثر از ربوبیت الهی می‌داند که به دنبال شناخت حق و الهام شکر وی انجام می‌پذیرد. «و الحمد لله علی ما عَرَّفْنَا مِنْ نَفْسِهِ (۶) وَ الْهَمْنَا مِنْ شُكْرِهِ، وَ فَتَحَ لَنَا مِنْ ابْوَابِ

العلم بر بویته، و دلنا علیه من الاخلاص له فی توحیده، و جَبْنَا من الالحاد و الشکّ فی امره.)) ترجمه: و سپاس و ستایش خدای راست که خود را به ما بندگان شناساند و شکر خویش را الهام نمود و به ربوبیت خود ابواب علم را بر ما گشود و بر اخلاص در توحید دلالتان نمود و از کفر و شک در مورد خود دورمان ساخت. قرآن کریم نیز به الهام الهی در مورد بدیها و خوبیها اشاره دارد آنجا که می فرماید: (فألهمها فجورها و تقواها) (شمس: ۷)

### ویژگی حمد

حضرت سجاد (ع) در فراز یازدهم تا شانزدهم دعا، به یازده ویژگی و عملکرد حمد می پردازد. که از جمله آن، حیات با حامدین و مسابقه با سابقین است. موجب روشنایی برزخ و روانی قیامت می شود. باعث مبارکی جایگاه و والایی مقام است. همراه با آن روشنی چشم و سفیدی روست. و موجب خلاصی از آتش جهنم است و باعث همراهی ابدی با مقربین و مرسلین در دار خلود است. «حمداً نَعْمَرُ به فیمن حمده من خلقه، و نَسْبِقُ به من سَبَقَ الی رضاه و عفو، ۱۲ حمداً یُضِئُ لنا به ظلماتِ البرزخ، و یُسَهِّلُ علینا به سبیلِ المبعث، و یُشَرِّفُ به منازلنا عندَ مواقفِ الشهداء، یومَ تُجزی کلَّ نفس بما کسبت و هم لا یُظلمون (۷) یوم لا یُغنی مولی عن مولی شیئاً و لا هم ینصرون، ۱۳ (۸) حمداً یرتفعُ منا الی اعلی علیین فی کتاب مرقوم یشهدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ۱۴ حمداً تَقَرَّرُ به عیوننا اذا برقتِ الابصار، و تَبیضُ به وُجوهنا اذا اسودتِ الابصار، ۱۵ حمداً نُعتقُ به من الیم نارِ الله الی کریم جوارِ الله، ۱۶ حمداً نُزاحمُ به ملائکته المقربین، و نُضامُ به انبیاء المرسلین فی دارِ المُقامة التي لا تزول، و محلُّ کرامته التي لا تحوّل.»

ترجمه: حمد و سپاسی که به واسطه‌ی آن در میان حامدین حق زندگی کنیم و به وسیله‌ی آن در میان سبقت جوینان عفو و رضای الهی سبقت جویم، حمدی که تاریکیهای برزخ را بر ما روشن کند. و در آن روزی که بندگان به سزای اعمال خود رسند و ستم نشوند، به واسطه آن، بعث بر ما آسان شود. و جایگاه ما در نزد گواهان مبارک گردد. روزی که دوستان به یاری دوست برنخیزند. سپاسی که از جانب ما به اعلی علیین بهشت بالا رود و در نامه نوشته شده ای که مقربان الهی بدان گواهی دهند، نگهداری شود. و در آن زمان که دیده‌ها خیره شوند، چشمانمان را روشن گرداند. حمدی که به وسیله‌ی آن چهره هامان سفید شود، در آن هنگام که صورتها سیاه گردد. حمدی که به واسطه‌ی آن از آتش جهنم رها و به جوار رحمت الهی وارد شویم. حمدی که موجب همراهیمان با فرشتگان مقرب و انبیاء مرسل (۹) در دار اقامت ازلی و محل کرامت ابدی شود.

در توضیح و تبیین این فراز می توان مواردی را گوشزد نمود:

آیاتی از قرآن کریم نیز نورانیت اعمال صالحه را تبیین می نماید. که از جمله آن می توان سوره حدید را بیان نمود که در آن به حرکت سریع نور مردان و زنان با ایمان از جانب راست و پیش روی آنان اشاره دارد. (یوم تری المؤمنین و المؤمنات یسعی نورهم بین یدیهیم و بایمانهم) (حدید: ۱۲) نیز در سوره آل عمران به سفید رویی مؤمنان و سیاه رویی کافران و منافقان متذکر است آنجا که می فرماید: (یوم تبيض وجوه و تسود وجوه) (آل





عمران: ۱۰۶) در قرآن کریم ترکیب «الیم نار الله» بیان شده در فراز ۱۶ صحیفه، به صورت (نار الله الموقدة) (همزه: ۶) آمده است. فیض الاسلام در شرح خود (فیض الاسلام، ۱۳۹۴ق، ۳۴) علت منسوب نمودن نار به خدا را، شدت و سختی آن می‌داند به گونه ای که کسی یارای خاموشی و خلاصی از آن را ندارد.

### حمد خالق سلطه

امام (ع) در فراز هفدهم و هجدهم حمد و سپاس را از آن خدایی می‌داند که آفرینش را مسخر انسان نمود. همان خدایی که برتری و زیباییهای آفرینش و پاکترین ارزاق را برای انسان قرار داد. «و الحمد لله الذی اختار لنا محاسن الخلق، و اجری علينا طیبات الرزق ۱۸ و جعل لنا الفضیلة بالملکة علی جمیع الخلق، فکل خلیقته مُنقادةً لنا بقدرته، و صائرةً الی طاعتنا بعزته.» ترجمه: و حمد و سپاس خدای راست که زیباییهای آفرینش را برای اشرف مخلوقات برگزید. و پاکترین روزی خود را برای وی قرار داد. و با تسلط بر آفرینش او را برتری داد؛ پس به قدرت و عزت الهی، تمامی مخلوقات مسخر انسان شدند. قرآن کریم نیز در سوره غافر به آفرینش نیکوی انسان اشارت دارد آنجا که می‌فرماید: (و صَوَّرَکُمْ فاحسن صُوْرَکُمْ) (غافر: ۶۴). نیز در آیات متعددی تسخیر و سلطه انسان را بر آسمانها و زمین تبیین می‌نماید که از جمله آن می‌توان به سوره لقمان اشاره داشت: (أَنَّ اللّٰهَ سَخَّرَ لَکُمْ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَ مَا فِی الْاَرْضِ) (لقمان: ۲۰)

### حمد رافع حاجات

امام (ع) در فراز نوزدهم دعا، حمد و سپاس را از آن خدایی می‌داند که باب نیاز خلق تنها به سوی او بازست. «و الحمد لله الذی اغلق عنا باب الحاجة الا الیه، فکیف نُطیقُ حمده، ام متی نُؤدّی شکره؟ لا. متی.» ترجمه: و حمد و سپاس خدای راست که در نیازمندی به غیر خود را بر ما بست. پس چگونه توانایی سپاس وی داریم و شکر او گوئیم. نه نمی‌توانیم! کی می‌توانیم! قرآن کریم نیز شکر نعمت و یا کفر آن را در حقیقت به سود و زیان خود انسان می‌داند آنجا که می‌فرماید: (وَمَنْ شَکَرَ فَإِنَّمَا یَشْکُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ کَفَرَ فَإِنَّ رَبِّیَ غَنِیٌّ کَرِیْمٌ) (نمل: ۴۰) فیض الاسلام در شرح خود (فیض الاسلام، ۱۳۹۴ق، ۳۶) نیازمندی خلائق به غیر خدا را، در حقیقت حاجت به حق می‌داند که منعم حقیقی است.

### حمد خالق قبض و بسط

حضرت سجاد (ع) در فراز بیستم دعای اول صحیفه و بعد از آن، حمد و سپاس را از آن خدایی می‌داند که ابزار قبض و بسط را در ما قرار داد و به فضل خود بی‌نیازمان نمود. و با عصیان ما، در عقوبت تعجیل نفرمود، بلکه به کرم و حلم خویش، در مراجعتمان به انتظار نشست. «و الحمد لله الذی رَکَّبَ فِینَا اَلَاتِ الْبَسْطِ، وَ جَعَلَ لَنَا اَدْوَاتِ الْقَبْضِ وَ مَتَّعَنَا بِارْوٰحِ الْحَیْوَةِ، وَ اَثْبَتَ فِینَا جَوٰرِحِ الْاَعْمَالِ، وَ غَدَّانَا بِطِیْبَاتِ الرِّزْقِ، وَ اَغْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَ اَقْنَانَا بِمَنَّةِ ۲۱ ثُمَّ اَمْرُنَا لِیَخْتَبِرَ طَاعَتَنَا، وَ نَهَانَا لِیَبْتَلِیَ شَکْرَنَا، فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِیْقِ اَمْرِهِ، وَ رَکَبْنَا مَتَوْنَ زَجْرِهِ، فَلَمْ یَبْتَدِرْنَا بِعَقُوْبَتِهِ، وَ لَمْ یُعَاجِلْنَا بِنَقْمَتِهِ، بَلْ تَاثَانَا بِرَحْمَتِهِ تَکْرَمًا، وَ اَنْتَظِرُ مِرَاجِعَتَنَا بِرَافَتِهِ حَلْمًا.»

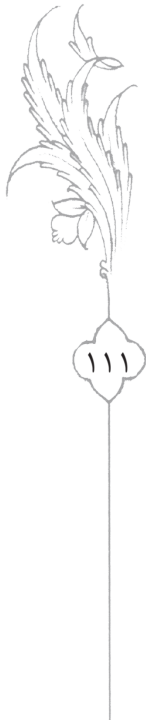


ترجمه: و حمد و سپاس خدای راست که آلات قبض و بسط را در ما قرار داد و ما را از آسایشهای زندگی بهره مند ساخت. و اعضا و جوارح را در ما استوار گردانید و ما را روزیهای پاک داد و به فضل خود بی نیاز نمود و سرمایه زندگانی بخشید. سپس ما را بنا بر احکام الهی امر و نهی فرمود تا اطاعت و شکرمان را بیازماید. پس ما از امرش مخالفت نموده و نواهی او بجا آوردیم. پس به عقوبت مان مبادرت نورزید و در انتقام تعجیل نفرمود، بلکه به سبب کرم خویش، با رحمت خود با ما همراهی نمود، و «به رأفت خود مهلت عطا نمود که بازگردیم.» (آیتی، بدون تا، ۳۱)

فیض در بیان قبض و بسط در شرح خود (فیض الاسلام، ۱۳۹۴ق، ۳۶-۳۷) قبض و بسط را به سه معنا می داند. به معنی حرکات مخصوص اندام بدن و یا نیروی ماسکه و دافعه اعضا و یا منظور از آن را، شادی و اندوه می داند. در توضیح ارواح الحیوة در شرح ریاض السالکین (مدنی، بدون تا، ۱، ۳۷۱) مؤلف کلمه ارواح را به معنای روح دانسته و در حدیثی به نقل از امامان همام حضرات علی و باقر و صادق علیهم السلام آورده است که برای مقربین پنج روح قدس، ایمان، قوت، شهوت و بدن است. اصحاب یمین تمام ارواح جز روح قدس را داریند. و اصحاب شمال نیز تنها صاحب سه روح قوت و شهوت و بدنند. فراز «اغنانا بفضله» اشاره به توانگر نمودن بنده از جانب حق دارد. و قرآن کریم نیز در سوره نجم به توانگری بنده و عطای سرمایه قابل ذخیره به وی از جانب حق اشاره دارد. آنجا که می فرماید: (وَإِنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ) (نجم: ۴۸) در مورد فراز «أَمْرًا لِيُخْتَبَرَ طَاعَتَنَا وَنَهَانًا لِيَتَّبِلَىٰ شُكْرَنَا» سؤالی مطرح است و آن این که به چه سبب امام علیه السلام حکمت او امر را امتحان طاعت می داند و حکمت نواهی را امتحان شکر بیان می کند. پاسخ این سؤال با استفاده از کتاب ریاض السالکین (مدنی، بدون تا، ۱، ۳۷۶) این است که شکر در عرف به کارگیری نعمت در راستای اوامر الهی است. بنابراین انجام نواهی الهی، منافی شکر است. پس نواهی الهی، امتحان شکر است. امام صادق علیه السلام نیز شکر نعمت را دوری از محارم الهی می داند. آنجا که فرمود: «شکر النعمة اجتناب المحارم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲، ۹۵، ح ۱۴۰۷) و مطلب دیگر در این فراز مفرد بودن امر الهی «طریق امره» و جمع بودن نهی الهی «متون زجره» است. که آن هم برگرفته از تعالیم حیات بخش قرآنی است که راه مستقیم را به صورت مفرد صراط، و راههای دیگر را سبل خطاب می نماید. و این که انسان در راه الهی گام بگذارد و دنباله روی از راههای دیگر ننماید که وی را از راه حق پراکنده می کند. (وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْرَقَ بَكُمِ عَنِ السَّبِيلِ) (انعام: ۱۵۳)

### حمد خالق توبه

امام (علیه السلام) در فراز بیست و دوم تا بیست و چهارم دعا، حمد و سپاس را از آن خدایی می داند که باب عظیم توبه را بر بندگان گشود. و بر ایشان تکلیف ما لا یطاق نفرمود. و حجت را به اتمام رسانید. «و الحمد لله الذی دلَّنَا علی التوبة التی لم نُفدھا الا من فضله، فلو لم نعتد من فضله الا بها لقد حُسن بلاؤه عندنا، و جل احسانه الینا، و جسم فضله علینا ۲۳ فما هکذا کانت سننهُ فی التوبة لمن کان قبلنا، لقد وضع عنَّا ما لا طاقة لنا به، و لم یكلفنا الا وسعًا، و لم یجشمنا الا یسرًا، و لم یدع لاحد منَّا حجةً و لا عذرًا ۲۴ فالهالک منَّا من هلک



علیه، و السعیدُ منّا من رغب الیه»

ترجمه: و حمد و سپاس خدای راست که ما را به توبه دلالت فرمود که اگر از فضل وی تنها توبه را برشماریم، فضل و احسان او بر ما عظیم است. و سنت وی بر پیشینیان چنین نبود. و تکلیف ما لا یطاق بر ما نفرمود و امر به توانایی و طاقت نمود، و بر احدی، حجتی باقی نگذاشت. پس شقی، کسی است که به او پشت کند و سعید آنکه به وی رو آورد.

قرآن کریم در خصوص هر دو موضوع دشواری سنت الهی و عدم تکلیف ما لا یطاق به بندگان، بیانی دارد. در مورد اول در سوره بقره بدان می پردازد. آنجا که سخن از توبه بنی اسرائیل که کشتن یکدیگر بود، به میان می آورد. (و اذ قال موسی لقومه یا قوم انکم ظلمتم انفسکم باآخذکم العجل فتوبوا الی بارئکم فاقتلوا انفسکم) (بقره: ۱۵۴) و موضوع دوم یعنی عدم تکلیف ما لا یطاق را در سوره حج تبیین می نماید. و این که تنگنا و حرجی در انجام دستورات دینی وجود ندارد. (و ما جعل علیکم فی الدین من حرج) (حج: ۷۸)

### کمیت حمد

امام (علیه السلام) در فراز بیست و پنجم دعا، به تبیین کمیت حمد می پردازد. حمدی که به اندازه حمد فرشتگان مقرب و برترین مخلوقات و راضی ترین حمدکنندگان است. «و الحمد لله بكل ما حمده به ادنی ملائکته الیه و اکرم خلیفته علیه و ارضی حامدیه لدیه» ترجمه: و حمد و سپاس او می گویم. با تمامی حمدی که نزدیکترین ملائکه و گرامیترین خلق و خوشنودترین حامدین، وی را ستوده اند.

تخصیص ادنی و اکرم و ارضی برای ملائکه و خلیفه و حامدین، نشانگر کمال حمد است که امام (ع) بدان تعلیم حمد می نماید. و سرانجام در فرازهای پایانی دعا، امام علیه السلام مبحث حمد را به اکمال رسانده و به تبیین کمیت و کیفیت و توانایی حمد می پردازد. یعنی ستایشی ازلی و ابدی، به تعداد نعم بی شمار الهی و حتی چندین برابر آن، حمدی برتر از حمدهای دیگر. همچون فضیلت خدا بر تمامی آفرینش. حمدی که رساننده به اطاعت باشد و سبب وصول به رضوان الهی گردد. و وسیله مغفرت باشد و راه جنت گردد. و پناه از عذاب الهی و امان از خشم خدا باشد. و مساعد بر اطاعت الهی و مانع از معصیت الهی گردد. و یاور بر ادای حق و تکلیف باشد. آن حمدی که موجب نیکیبختی انسان و قرار گرفتن وی در صف شهیدان گردد. «حمدًا یفُضُّ سائر الحمد کفضل ربنا علی جمیع خلقه ۲۷ ثم له الحمد مکان کل نعمه له علینا و علی جمیع عباده الماضین و الباقین عدد ما احاط به علمه من جمیع الاشیاء و مکان کل واحد منها عددًا اضعافًا مضاعفًا ابدًا سرمدًا الی یوم القیمه ۲۸ حمدًا لا منتهی لحمده، و لا حساب لعدده، و لا مبلغ لغایته، و لا انقطاع لأمده ۲۹ حمدًا ینزل الی طاعته و عفوه، و سببًا الی رضوانه و ذریعة الی مغفرتة، و طریقًا الی جنته، و خفیّرًا من نعمته، و امّنًا من غضبه، و ظهیرًا علی طاعته، و حاجزًا عن معصیته، و عونًا علی تأدیة حقّه و وظائفه ۳۰ حمدًا ینسعدُ به فی السعداء من اولیائہ، و نصیرٌ به فی نظم الشهداء بسیوف اعدائہ، إنّه ولیّ حمیدٌ.»





ترجمه: حمد او گویم به برترین سپاس. مانند برتری خدا بر جمیع مخلوقات. پس حمد و سپاس او راست به عدد کل نعمتی که به بندگان گذشته و حاضر خود ارزانی داشته و چندین برابر آن، که علم الهی بدان نعمات آگاهست. سپاسی ازلی و ابدی. حمدی که موجب رسیدن به اطاعت و عفو او، و سبب خوشنودی، و وسیله‌ی مغفرتش، و پناه از عذاب، و امان از غضب او، و مساعد بر طاعت، و مانع از معصیت وی، و یاور بر ادای حق و وظائف بنده باشد. سپاسی که به واسطه‌ی آن در میان سعادت، به سعادت رسیم و در صف شهدای کشته با شمشیر دشمنان درآئیم، و به راستی او یآوری ستودنی است.

### نتیجه

در بررسی حمد در دعای اول صحیفه سجادیه نتایجی به دست می‌آید که می‌توان آن را به سه شاخه و ویژگی‌های ربّ و ویژگی‌های حمد و برخی صفات عبد تقسیم نمود.

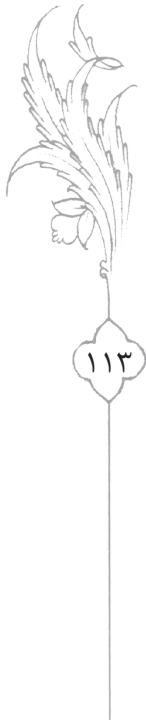
کدام خدا را باید ستایش نمود؟ خدایی که ازلی و ابدیست و به رؤیت و وصف درنیاید. و بدیع و مخترع است و بندگان را خداجو آفرید و برایشان رزق و اجل معلوم قرار داد. و حمد را تعلیم نمود. خدایی که خود را شناساند و شکر خویش الهام نمود و به ربوبیت خود، ابواب علم را گشود و بر اخلاص دلالت نمود و از کفر و شکّ دور ساخت. خداوندی که فضیلت و زیباییها و پاکترین ارزاق خود را برای انسان قرار داد و آفرینش را مسخر او نمود. و باب نیاز خلق، بر غیر خود را بست. آن خدایی که آلات قبض و بسط را در انسان آفرید و او را از ارواح حیات بهره مند ساخت و به فضل خود بی‌نیاز نمود و با عصیان وی در عقوبت تعجیل نفرمود. بل به کرم و حلم خویش، به انتظار بازگشت نشست. خداوندی که باب عظیم توبه را بر بندگان گشود و برایشان تکلیف ما لا یطاق نفرمود و حجت را تمام کرد.

### چه حمدی باید به جا آورد؟

حمدی که حیات با حامدین و سبقت با سابقین را فراهم سازد. و موجب روشنایی برزخ، روانی بعثت، مبارکی جایگاه، والایی مقام، روشنایی چشم، سفیدی رو، خلاصی از آتش و همراهی ابدی با مقربین و مرسلین گردد. حمدی که ملائکه مقرب و برترین خلق و خوشنودترین حامدین به جا می‌آورند. حمدی که ازلی و ابدی و بی‌حد و حصر است. و به عدد نعم الهی و به فضیلت حق بر خلق است. حمدی که رساننده به اطاعت الهی و سبب خوشنودی اوست. حمدی که وسیله‌ی آمرزش و راه رسیدن به بهشت است. حمدی که پناه از نذمت الهی و امان از غضب اوست. حمدی که مساعد بر طاعت و مانع از معصیت و یاور بر ادای حق و تکلیف است. حمدی که موجب سعادت و قرارگرفتن در صف شهیدان حق است.

### بندگان چگونه‌اند؟

آدمیان تقدم و تاخر حوادث و زیادت و نقصان نعم نتوانند و با گذشت ایام به پایان عمر و پاداش و کیفر اعمال نزدیک می‌شوند. و این امر نشان دهنده عدل الهی است. و آدمی هرگز نتواند شکر منعم را به جا آورد. و



خوشبخت کسی است که به خدا رو کند و بدبخت آنکه به وی پشت نماید. اگر حمد انسان نباشد، وی از دایره انسانی خارج و به محدوده حیوانی وارد می‌شود.

### یادداشتها

۱- خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۱/۱۲/۷ پایگاه خبرگزاری تسنیم، شناسه خبر ۲۰۴۲۷۲۲، هشتم آذرماه ۱۳۹۲

۲- الحمد: الذكر الجمیل علی جهة التعظیم... ویصح علی النعمة و کذا النعمة، الشکر لایصح الا علی النعمة

۳- در توحید صدوق، ۵۷ از امام رضا (ع) آمده است که خداوند فوق وصف و صف کنندگان است: هو فوق ما یصفه الواصفون

۴- اشاره به آیه لیجزی... بالحسنی قرآن کریم است. (نجم: ۳۱)

۵- اشاره به آیه لا یسأل... یسألون قرآن کریم است. (انبیاء: ۲۳)

۶- در شرح ریاض السالکین سید علیخان مدنی ج ۱، ۳۱۴ چهار معنی برای نفس ذکر شده است. دم، نفس حیوان، ذات و غیب. که دو معنای ابتدایی برای حق غیر ممکنست و دو معنای دیگر یعنی ذات و غیب صحیح است.

۷- اشاره به آیه تجزی... یظلمون قرآن کریم است. (جاثیه: ۲۲)

۸- اشاره به آیه یوم... ینصرون قرآن کریم است. (دخان: ۴۱)

۹- در بحار الانوار علامه مجلسی ج ۱۱، ۴۳ و ۵۶ تعداد انبیاء الهی را ۱۲۴ هزار نفر و مرسلین را ۳۰۰ نفر ذکر نموده که ۵ تن از ایشان (حضرت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام و محمد صلی الله علیه و آله) اولوالعزمند.

### میزان الحمد

دراسة الدعاء الاولی للصحیفة السجادية علی اساس الآیات القرآنیة

الدعاء الاولی للصحیفة السجادية للامام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام دعاء عظیمة القدر مملوءة بالمعارف القيمة الاسلامیة و القرآنیة. التي تحمد الله بمفردات مزينة بالمحسنات اللفظیة و المعنویة. و یدرس دروساً عمیقاً فی تحسین البعد الروحی للبشر و ارتقاء العلاقة بین العبد و المعبود فی صورة الدعاء. تتناول المقال هذه الدعاء العظیمة و یدرس موضوع الحمد و الثناء فیها. فی البداية کالتمهید یعرف تعریفاً موجزاً للحمد و یبینه. ثم یتبع هذا الموضوع فی المقاطع القيمة لهذه الدعاء. و فی النهاية ینتهی النص بالنتیجة. و من المأمول أن تكون هذه المحاولة الضئیلة مقبولة من قبل الباحثین و تكون الصحیفة السجادية فی موضع اهتمام الباحثین يوماً بعد یوم و اکثر و اکثر.



## فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن فارس احمد، معجم مقاییس اللغة، محقق / مصحح، عبدالسلام محمد هارون، مكتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن منظور جمال الدين محمد بن مكرم، لسان العرب، محقق / مصحح، يوسف البقاعي و ابراهيم شمس الدين و نضال على، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۲۶ق- ۲۰۰۵م.
۴. خمینی روح اله، تفسیر سوره حمد، ۱۳۷۳ش.
۵. راغب اصفهانی حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، محقق / مصحح، داوودی، عدنان صفوان، دار القلم - دارالشامیة، بیروت - دمشق، ۱۴۱۲ق.
۶. صاحب بن عباد اسماعیل، المحيط فی اللغة، محقق / مصحح، محمد حسن آل یاسین، عالم الكتاب، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۷. صدوق، توحید، محقق / مصحح، محسن حسینی امینی، ناشر، دفتر انتشارات اسلامی، ایران، قم.
۸. عسکری حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، دار الآفاق الجديدة، بیروت، ۱۴۰۰ق.
۹. علی بن حسین امام چهارم علیه السلام، صحیفه سجادیه، مترجم، عبدالمحمد آیتی، ناشر، سروش.
۱۰. علی بن حسین امام چهارم علیه السلام، صحیفه کامله سجادیه، ترجمه و شرح، علی نقی فیض الاسلام، ۱۳۹۴ق.
۱۱. فراهیدی خلیل بن احمد، العین، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۲. فیروزآبادی محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، محقق / مصحح، مكتب تحقیق التراث فی مؤسسه الرساله، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۱۵ق- ۱۹۹۴م.
۱۳. فیروزآبادی محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، محقق / مصحح، مكتب تحقیق التراث فی مؤسسه الرساله، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۱۵ق- ۱۹۹۴م.
۱۴. کاشانی فیض، نماز زمان معراج انسان (ترجمه الصلاة)، محقق / مصحح، محمد بهشتی، چاپخانه گیتی، تهران، ۱۳۷۳ش.
۱۵. کلینی محمد بن یعقوب، اصول کافی، محقق / مصحح، علی اکبر غفاری و آخوندی، محمد، دار الكتب الاسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.
۱۶. مجلسی محمد باقر، بحار الانوار، لبنان، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۷. مدنی شیرازی سید علیخان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، محقق / مصحح، محسن حسینی امینی، دفتر انتشارات اسلامی، ایران، قم.

